

تکریم و الگوسازی از آقای اسماعیل پوروطن خیر و نیکوکار گیلانی (۱۳۹۹/۰۴/۰۳)

همزمان با خجسته میلاد با سعادت حضرت معصومه (ع)، بنیاد نخبگان استان گیلان با مشارکت بنیاد خیرین دانشگاه گیلان، مجمع خیرین مدرسه ساز استان گیلان و آموزش و پرورش استان گیلان، با هدف توسعه و ترویج فرهنگ تکریم از فرهیختگان، سرآمدان و نخبگان جامعه و شناسایی رموز موفقیت آنان، مراسم تکریم و الگوسازی آقای اسماعیل پوروطن، خیر و نیکوکار گیلانی را در روز سه شنبه سوم تیر سال جاری، با حضور نخبگان، استعدادهای برتر استان گیلان، دانشجویان و دانش آموزان با رعایت پروتکل های بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی، در سالن اجتماعات خاتم الانبیا (ص) اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان رشت برگزار نمود.

در ابتدای این مراسم پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و پخش سرود ملی جمهوری اسلامی، آقای دکتر اصفهانی رئیس بنیاد نخبگان استان گیلان طی سخنانی با تبریک ولادت با سعادت حضرت معصومه (ع)، با تشریح اهداف این برنامه و فعالیت های بنیاد نخبگان در خصوص برگزاری مراسم تکریم و الگوسازی از زوایای پنهان نخبگان و فرهیختگان جامعه، افزودند: بنیاد نخبگان استان گیلان در سال های اخیر تلاش نموده تا ضمن معرفی این بزرگان به جامعه، نسبت به شناساندن رموز موفقیت آنان به استعداد های برتر جوان اهتمام داشته باشد.

آقای دکتر اصفهانی بسیاری از اقدامات خیرخواهانه که در گیلان اجرا شده را جزء اولین ها در کشور دانست و با اشاره به اقدامات افراد خیری مانند کاظم خان مزدهی که با کمک همسرشان و وقف اموال و املاک شان، اولین پرورشگاه شبانه روزی برای نگهداری کودکان بی سرپرست کشور را در رشت بنا نهادند و آقای آرسن میناسیان خیر بزرگ گیلانی که پایه گذار اولین خانه نگهداری از سالمندان و معلولان کشور در رشت بودند که بعدها الگویی برای تاسیس مراکز مشابه مانند خانه سالمندان کهریزک در تهران شد، آقای اسماعیل پوروطن را ادامه دهنده حرکت آنان دانست. رییس بنیاد نخبگان استان گیلان آقای پوروطن را مردی بزرگ با قلبی بزرگ و سرشار از اراده به خدمت به کودکان بی سرپرست و بدسرپرست دانستند و افزودند: بنای اقدامات خیرخواهانه آقای پوروطن با مشورت ایشان در استان های مختلف کشور همانند سازی و پایه گذاری شده و ایشان همچنان برای اقدامات خیر و خیرخواهانه اعلام آمادگی کرده اند.



برگزاری این چنین مراسمی عنوان تکریم و الگوسازی دارد و از نظر بنیاد هر دو وجه تکریم و الگوسازی مهم هستند. خطاب تکریم، فرد مکرم و اعلام تقدیر از اقدامات و تجلیل ایشان است و خطاب الگوسازی، سایر مخاطبان است تا با زوایای پنهان اراده و همت بلند مکرمان برای تسری و اشاعه آن است. تعدادی از مخاطبان برنامه تکریم جناب آقای پوروطن در این مکان دانشجویان استعداد های برتر تحت پوشش بنیاد نخبگان هستند که امید است از نخبگان آینده کشور باشند و همچنین این برنامه به شکل زنده و برخط از طریق سامانه اینترنتی ویژه ای برای مستعدین برتر سایر استان های کشور در حال پخش است. در این برنامه سخنرانان در وجه استاد پوروطن سخن

خواهند گفت واز زوایای پیدا و پنهان استاد مطالبی را بیان خواهند کرد که امیدواریم بقدر کافی آموزنده باشد. در خرداد ماه، سالگرد درگذشت یکی از خیرین بنام اهل رشت که در امر خیر در استان جزء اولین‌ها بودند، زنده یاد کاظم خان مژده‌ی موسس مدرسه مژده‌ی بود که زندگی ایشان و همسر بزرگوارشان بسیار شبیه زندگی آقای پوروطن و همسر محترم ایشان است. از خیرین بزرگ دیگر استان، زنده یاد آرسن میناسیان بودند که شخصیت و عملکردشان در کشور مثال زدنی است و اقدامات آن زنده یاد را جناب پوروطن مشابها تکرار کردند. این موضوع چراغ مقدس خیر و خیر خواهی را در استان روشن نگه می‌دارد و اشتیاق به برگزاری برنامه‌های تکریم و بزرگداشتی از این قبیل را مضاعف می‌سازد تا اینگونه امور خیر اشاعه پیدا کند. مخاطبان این گونه از اقدامات خیرخواهانه، جویندگان علم و آموزش و تحصیل و گروهی هستند که مشمول حدیثی از پیامبر اکرم (ص) قرار می‌گیرند. حضرت فرموده‌اند: جویندگان علم از جهادگران، مرزداران، عمره‌گزاران، معتکفان و مجاوران خانه خدا برتر هستند و بادها و ابرها و دریاها و ستارگان و گیاهان و هر چیزی که آفتاب بر آن می‌تابد، برای جوینده علم طلب مغفرت می‌کنند. اقدامات خیری که توسط جناب آقای پوروطن انجام می‌شود نیز در راستای خدمت به علم و آموزش و جویندگان علم است و اینجانب در اینجا و با افتخار از زبان جمع و کسانی که در فضای مجازی با نام ایشان آشنا شده‌اند، از جناب آقای پوروطن سپاسگزاری می‌کنم و امیدوارم همچنان در کارشان موفق باشند و ما نیز در شناساندن این نوع حرکت‌های بارزش و شایسته به دیگران موفق شویم.

بنیاد نخبگان در طی برنامه‌های تکریم و الگوسازی که اکثر آنها در مقوله علم و فناوری بودند، اکنون در جنس دیگری از تکریم موفق به اجرای برنامه شده است و آن هم موضوع خیر و امور خیرخواهانه است. یکی دیگر از مثال‌های مربوط به این نوع تکریم مربوط به شخص بزرگواری است که در روز معلم هر سال توسط بنیاد نخبگان استان اجرا می‌شود. جناب آقای دکتر ابراهیم‌زاده معبود چهره ماندگار زیست‌شناسی کشور سه سال پیاپی از محل منابع مالی شخصی‌شان جوایزی تحت عنوان کمک هزینه پژوهشی حمایت از طرح‌های پایاننامه‌ای و رساله‌ای را به دانشجویان مستعد کشور اعطا می‌کنند و بنیاد نخبگان استان برای فراخوان و ارزیابی و انتخاب طرح‌ها اقدام می‌کند. اعطای این جایزه‌ها، فارغ از مبلغ ریالی و تعداد دانشجویان مشمول، نمونه‌ای ارزشمند از اقدامی خیرخواهانه استادی عالیمقام در حمایت از دانشجویان مستعد برای تحقیقات موثر و کاربردی در زمینه علوم زیستی در استان است که شایسته تقدیر، تجلیل و الگوسازی است و چقدر خوب است که ما قبیل موارد را بیان کنیم تا گسترش یابند و بتوانیم از بانیان این امور قدردانی و الگوسازی کنیم. بزرگترین وظیفه ما علاوه بر برگزاری اینگونه مراسمات، مستندسازی آنها در قالب مکتوبات، کلیپ، صوت و فیلم است. کاری که بنیاد نخبگان به آن اهتمام دارد و تلاش می‌شود حاصل این مراسم به شکل شایسته‌ای تدوین و توزیع شود. مراسمی از این قبیل ممکن است بعد از مدتی از ذهن انسان پاک شود، ولی با مکتوب کردن و نگارش و مستندسازی امیدواریم که باقی و پایدار بماند.

در پایان از تمام عزیزانی که دعوت بنیاد نخبگان استان گیلان را پذیرفتند تشکر می‌کنم. جناب آقای دکتر شاهرضایی مدیر کل محترم الگوسازی و تکریم نخبگان، جناب آقای دکتر قلی‌زاده مدیر عامل بنیاد خیرین دانشگاه گیلان، جناب آقای دکتر مهدوی معاون محترم فرهنگی و گردشگری منطقه آزاد انزلی، خانم قلی‌پور رییس محترم اداره استعدادهای درخشان آموزش و پرورش استان گیلان، جناب آقای داوطلب معاون محترم فرهنگی بنیاد شهید استان گیلان، جناب آقای پرستش معاون محترم هلال احمر استان، جناب آقای دریایی رییس محترم اداره آموزش و پرورش شهرستان انزلی و معاون محترم‌شان، جناب آقای افشار محمدیان عضو محترم انجمن زیست‌شناسی کشور که با کمیته علمی بنیاد همکاری دارند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

پس از سخنان رییس بنیاد نخبگان استان گیلان کلیپ زنگ درنگ بنیاد ملی نخبگان پخش شد که با تشویق شرکت کنندگان مواجه شد.

پس از آن آقای دکتر مهدوی معاون فرهنگی و گردشگری منطقه آزاد تجاری صنعتی انزلی طی سخنانی با تشکر از بنیاد نخبگان استان گیلان در برگزاری مراسم تکریم و الگوسازی از آقای پوروطن، اظهار داشتند: با توجه به شناختی که اینجانب از آقای پوروطن و فعالیت‌های ایشان دارم دو چیز در کارهای آقای پوروطن قابل توجه و زیباست که می‌توان از آن الگو گرفت و آن را برای نسل جوان الگوبرداری کرد و آن نیت پاک و پاکیزه آقای پوروطن است و یکی هم همت بلند ایشان است. دکتر مهدوی خلوص نیت در کارهای آقای پوروطن را نشانه همت والای این مرد بزرگ دانستند و افزودند: اینگونه مراسمات که توسط دوستانمان برگزار گردیده، بهانه‌ای است تا از کارهای بزرگ آقای پوروطن تقدیر کنیم و ایشان را الگویی برای نسل جوان جامعه قرار دهیم.

اصحاب منطق بر این باورند که معرف باید اجلی از معرف باشد، یعنی اینکه وقتی در باب اوصاف شخصیتی سخن می‌گوییم باید اشراف کافی یا حداقل اشراف لازم را بر ابعاد و اوضاع شخصیت را داشته باشیم تا بدانیم که درباره چه کسی سخن می‌گوییم. بنده به گمانم در جایگاهی نیستم که بتوانم در باب اوصاف بزرگان سخن بگویم هر چند خوش دارم باشم که خوشتر آن باشد که سر دلبران، گفته آید در حدیث دیگران. اما در هر حال

راز را گر می‌نیاری در میان درک‌ها را تازه کن از قشر آن

مولانا به ما یاد می‌دهد زمانی از بزرگی سخن می‌گوییم در هر درجه از درجات و فراز از فرازها و ساحت از ساحت به صورت مختصر و محدود به اندازه درک خود سخن بگوییم، چون توانایی درک این مسئله در ما نیست، مگر اینکه ما نیز به همان امور مبادرت کرده باشیم و همان تجربه‌ها و دستاوردها را در اختیار داشته باشیم که بخواهیم نکاتی در خور بیان کنیم. در باب جناب آقای پوروطن همانقدر که من آشنایی دارم دو چیز در کار ایشان زیبا، دلپذیر و قابل توجه و الگوبرداری خاصه برای جوانان است، علی‌الخصوص در این مقطع از زمان که ما کمتر شاهد کارهایی که نجابت، نیت پاک، عقلانیت و عظمت‌های انسانی یا به تعبیری فضیلت‌های بزرگ را در خود داشته باشد، هستیم. در کارهای بزرگ جناب آقای پوروطن نیز شما می‌توانید در روزگاری که نیت چندان پاکیزه نیست، عنصر نیت پاک، همت بلند و عقلانیت را می‌توانید در یک مثلث نورانی و روحانی مشاهده کنید. اینکه انسان نیت پاک داشته باشد زیباست. به تعبیر مرحوم شهید بهشتی اخلاص یک امر نسبی است و اخلاص مطلق نداریم، اگر من فهم لمس اخلاص را داشته باشم به غیر از معصومین می‌بینم که اخلاص یک امر مطلق نیست. به قول مولانا بی‌غرض نبود به گردش در جهان غیر جسم و غیر جان عاشقان پس ما از اخلاص مطلق نمی‌توانیم سخن بگوییم، هر چند اخلاص نسبی هم چیزی نیست که همگان بتوانند به آن نائل بشوند خصوصاً عسرت در دورانی که به تعبیر شاعر بزرگ آلمانی؛ فرشته‌ها از روی زمین کوچ کرده و رفته‌اند. اخلاص در کارهای آقای پوروطن یک امر مرئی و محسوس و مستند است. ایشان اهل غوغا و هیاهو نیستند. این جلسه هم به همت عزیزان تنظیم شده از باب شکر نعمت است که قرآن می‌فرماید یکی از وظایفی را که مومنان و مسلمانان برعهده دارند این است که نعمت‌ها را پیدا کنید و آن را تکریم کنید و در بزرگداشت و نکوداشت آنها همت کنید تا همگان متوجه بشوند، تا اگر روزی فرشتگان اعتراض کردند که پروردگارا ما چرا باید سجده آدم کنیم، ما با این بزرگداشت‌ها و تکریم‌ها که البته گاهی تکافوی بزرگان را نمی‌دهد، خود را ثابت کنیم. امثال آقای پوروطن که هر یک در عرصه‌ای حرکت کردند با نیت و همت و عقلانیت در این مثلث و در این تسلسل روحانی، خجسته و ارجمند ما هرچقدر هم بخواهیم تلاش کنیم تا قدردانی بجا بیاوریم باز هم تلاش ما ناقص و بقدر توان بشری است، ما در حد مساعی خودمان تلاش می‌کنیم و هیچ وقت تذکره و بزرگداشت بزرگان با توضیحات و توصیفات و توجیهاات ما به صورت کامل بیان نمی‌شود. پس ما وظیفه داریم در حد توان بشری به بیان نکاتی در باب شخصیت بزرگواران بیان کنیم.

در کار جناب آقای پوروطن بقدر استنباط بنده سه عنصر دیده می شود نیت پاکیزه، کارشان مبنی بر حق است، شما وقتی پای کار جناب آقای پوروطن می نشینید خداوند را می بینید، زیرا خداوند با اوصافش دیدنی است. خدا یک امر انتزاعی، ذهنی و شخص انگارانه نیست و برخلاف آنچه ما تصور می کنیم خدا در تجلیات و صفات و اوصاف و تظاهراتش است و به تعبیر پدیدار شناختها، خدا در صفاتش است، صفات و تجلیات خدا را در رفتار جناب پوروطن می بینید. استاد آیت الله حسن زاده آملی می فرماید: مرا معاف کن از دست بوسی که من دستی ندارم تو ببوسی. ایشان می فرماید من در زندگی خودم تابعحال دست هیچ کس را نبوسیدم جز دست کودکان را چون به تعبیر همه روان شناسان معناگرا و علمای تعلیم و تربیت، کودکان در ملکوت الهی شناورند. معظم له می فرمایند من از این جهت دست کودکان را می بوسم که کودکان غریب هستند، یعنی کسی که تربیت کودکان را برعهده دارد در هر کاشانه و موسسه و مرکزیتی، در واقع با کسانی ارتباط دارد که آنها با پروردگار نزدیک هستند و شمیم و عطر خوش بهشت، پاکی ها و پاکیزگی ها از آنها استشمام می شود و آنها با این رایحه زندگی می کنند. کانت فیلسوف معروف آلمانی می گوید: دنیا پر از سختی ها است، شما به هر جا بنگرید سختی می بینید. خلقنا الانسان فی کبد، دنیا دشوار است و همه چیز زندگی سخت است. خداوند خلقت انسان را اینگونه تنظیم کرده و در میان این سختی ها دو خیلی دشوار است دو چیز که آقای پوروطن به آن عقلانیت و نیت و همت به آن توجه کرده است.

عقل و همت را ندانم که کدامین برتر است آنقدر دانم که همت هر چه کرد از پیش برد

شما وقتی نیت و همت و عقلانیت آقای پوروطن و امثال ایشان که در دنیا و کشور اندک هستند را مطالعه می کنید می بینید که این عناصر در کارشان وجود دارد. کانت می گوید دو کار بسیار دشوار است، یکی تربیت و دیگری سیاست. آقای پوروطن فقط یک خیر و نیکوکار عادی نیست. ما از این نیکوکاران زیاد داریم اما اینکه انسان نیکوکار باشد و یک معاهده ای با خدا داشته باشد، متفاوت است.

از عهده عهد اگر برون آید مرد از هرچه گمان بری فزون آید مرد

آقای پوروطن نیز عهدی با خدا داشتند. لن تنالو البر حتی تنفقوا مما تحبون، هرگز به مقام بر نمی رسید (مقام بر عالی ترین مقام در سیر و سلوک است)، مگر اینکه هر چیزی که در دست شماست و خداوند با سخاوت و کرامت و با رحمت به شما داده است را شما هم با سخاوت و کرامت و لطافت و با همه فقر و فقرات آن را بندگان الهی و یتیمان و نیازمندان ببخشید.

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن به دمی یا درمی یا قلمی یا قدمی

همه ما محتاج هستیم. هیچ موجودی از موجودات مانند انسان محتاج نیست. جناب پوروطن در هر زمانی با شادی بچه ها شاد و با غم آنها غمگین است با آنها می خندد و با آنها گریه می کند، با تپش قلب آنها قلبش به تپش می افتد، همه هستی ایشان لن تنالو البر حتی تنفقوا مما تحبون است. مولانا می فرمایند...

نصف عمرت در پریشانی رود نیم دیگر در پشیمانی رود

آقای پوروطن نه نیمی از عمرش در پریشانی و نه نیمی در پشیمانی سپری نشد. همچنان با اعتماد به نفس و با کرام نفس کارشان را شروع کردند و ادامه دادند. تربیت امر بسیار دشواری است.

دو چیز بود آنچه مرا پیر کرد و کشت بیداد عشق بود و رنج معلمی

گر بستی به تربیت سگ میان خویش به بود تا به تربیت نسل آدمی

سگ مردمی بسر برد و آشنا شود وز آدمی نیاید جز نیش کژدمی

در کشوری که این ثمر دانش است و علم پیداست آن دیار کجای است و مردمی

نفرین بر آن کسی که در این ره چو من برد زجری بدین گرانی و اجری بدین کمی

فقط عقل هدف اندیش و مادیات و محاسبات مادی در نظر گرفته شده است، اما جناب آقای پوروطن به محاسبات عادی کار ندارد. استقلالی که در وجودشان رویدد مناعت و قناعتی که در شریان‌های قلب‌شان می‌تپد، کاری به اینگونه مباحث ندارد.
تو اگرچه عشق فسون پیشه لشکری انگیخت تو (آقای پوروطن) گرفته دل نباشی که عشق تنها نیست

در این مراسم همچنین **آقای سیدزاده دادستان شهرستان بندر انزلی** در خصوص فعالیت‌های خیرخواهانه و همکاری شایسته ایشان با دادسرای بندر انزلی سخنانی ایراد نمودند. در دوره‌ای قرار داریم که معیشت مردم که روز به روز مشکلاتشان افزوده می‌شود و وقتی شما قاضی هستید و بر مسند قضا نشسته‌اید گاهی مشکلاتی برای شما ایجاد می‌شود که کسی نمی‌تواند به شما کمک کند و گاهی افرادی به شما مراجعه می‌کنند که از ناسازگاری فرزندان‌شان شکایت دارند و ما بسیار خرسند می‌شویم که جایی مانند مکانی که آقای پوروطن ایجاد کرده‌اند وجود دارد که اینگونه افراد را بدون دغدغه به آن مکان می‌سپاریم تا آینده برایشان تضمین شود و این برای ما یکی از بهترین نعمت‌ها است.

همچنین در ادامه مراسم **آقای دکتر آفتابی** عضو هیئت علمی گروه عمران دانشگاه آزاد اسلامی گیلان و مشاور امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری و شورای اسلامی شهر رشت و از دوستان آقای پوروطن، در خصوص تاسیسات و مکان‌های خدماتی آقای پوروطن به ایراد سخن پرداختند.

ایشان اظهار داشتند، سرزمین ما ایران و بطور ویژه گیلان زادگاه انسان‌های بزرگی بوده است، انسان‌هایی که در عرصه‌های مختلف این سرزمین زحماتی را کشیدند که زبان از توصیف آنها قاصر است. بطور ویژه گیلان بزرگان بسیاری را به اجتماع و تمدن بزرگ ما تقدیم کرده است. آقای دکتر مجتهدی موسس دانشگاه شریف، مدیر و معلم دبیرستان البرز که در تاریخ این سرزمین نقش ارزشمندی داشته است، آقای دکتر معین را که از چهره‌های برجسته گیلان است. آقای بحر پیمان از شهرداران بنام بندر انزلی که در دوران ایشان انزلی خواهر خوانده شهر کابورگ فرانسه شد. همینطور بزرگواران دیگر مانند آرسن میناسیان که زحمات بسیاری برای این خاک کشیدند. از خانم‌های بزرگوار می‌توان به خانم سعیده قدس اشاره کرد که بنیان‌گذار موسسه محک بودند. خانم پروین اعتصامی و خانم میرزاخانی که در این سرزمین حضور داشتند. چه احادیث و آیات از سوی پیام‌آوران وحی برای انسان‌ها آورده شد تا راه درستی را بیمایند و انسان را بسوی انسانیت سوق بدهند و اینها همه و همه در طول تاریخ بشریت بوده است و در این راستا مردمی بودند که به این راه عمل کردند و آن را ادامه دادند، همانند آقای پوروطن ایشان مؤسس سبزاندیشان وطن هستند که از سال ۸۹ برای حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست بنیان گذاشته شده است و این نام نیکو از این مرد نکونام از آن سال عملاً در شهر ما باقی مانده است. ایشان عملاً بی‌نام و نشان و بدون ادعا این کار را شروع کردند و این هم از باب فروتنی ایشان است که واقعا تحسین برانگیز است. جناب آقای پوروطن متولد ۱۵ آبان ۱۳۲۹ در شهر بندر انزلی هستند و ایشان بنیانگذار اولین دفتر فنی و مهندسی در بندر انزلی بودند و سابقه بسیار درخشانی در پروژه‌های عمرانی را در سرزمین ما دارند. ساخت و سازها و پروژه‌های بزرگی را آغاز کردند و سابقه مدیریت را در بسیاری از امور داشته و دارند. اما داستان تاسیس سبزاندیشان وطن از این قرار است که زمانی که ایشان سی ساله بودند در زمان سال تحویل عهده‌ای با خداوند می‌بندند که از شصت سالگی به بعد هر چه از دوران پیش از شصت سالگی از خداوند به ایشان خواهد رسید را در اختیار بندگان خوب خداوند خواهند گذاشت و همه را برای مسیر انسانیت و پرورش انسان کرده‌اند و این عهد فراموش نمی‌شود و در حالی که هنوز شصت ساله نشده بودند این پیمان را پی می‌گیرند. ایشان بسیار اهل مطالعه و پی‌گیر و نکته‌سنج هستند و به همه چیز توجه می‌کنند. برای شروع عهده‌ای که با خداوند بستند بسیار جستجو و مطالعه کردند، در بسیاری از کشورها تحقیق

کردند تا ببینند آنها چه کردند و نهایتاً در منطقه طالب آباد مکانی که آرامش و آب و هوایی بهتر و با آنچه که بتواند محل تبلور یک تربیت صحیح و یک فرزند خوب برای این سرزمین باشد را یافتند و در آنجا خانه سبز را بنیان کردند و تمام پشتوانه‌های مالی خودشان را آوردند و این خانه در ۲۲ ماه ساخته می‌شود و فرزندان نیکی را در آن جای دادند.

جناب آقای پوروطن جمله این نقل کردند با این مضمون که مردم اغلب تنها هستند زیرا بجای پل دیوار می‌سازند و همه این جملات در واقع مصداق‌های عینی دارد ما معتقدیم که ایشان این مصداق عینی را ایجاد کردند، یعنی اینکه ایشان کودکان را به گونه‌ای پرورش دادند و تربیت کردند که همانطور که نقل کردند هیچ وقت دیوار نشدند، بلکه پل شدند برای کودکان بسوی دنیای زیباتر و این فرزندان را مثل یک خانواده معمول که همه ما داریم تربیت کردند و هیچ دیوار و حصار برای آنها نیست در ارتباط کامل با مردم و اجتماع هستند، در حالی که بعضی از بچه‌هایی که شاید در اطراف ما باشند این طراوت و راحتی را ندارد در حالی که این بچه‌ها بسیار با محبت و با طراوت و توانا در شکوفایی توانمندی‌های خودشان هستند و اینها نتیجه زحمات و تجربه و درایت جناب آقای پوروطن است و نشان دادند سرنوشت نیست که صرفاً با زمان و مکانی که ما در آن متولد می‌شویم باید بر زندگی ما حکم کند. ایشان به بچه‌ها یاد دادند که شما زندگی خودتان را می‌سازید، شما در این خانه سبز رشد و نمو پیدا می‌کنید و زندگی خودتان را آنگونه که می‌خواهید می‌سازید و محکوم نیستید به دیوارهایی که در گذشته برایتان کشیده شد و بسوی آینده پیش خواهید رفت. بچه‌ها می‌گویند خورشید هر روز دیرتر از پدرمان بیدار می‌شود، ولی زودتر از او بخواب می‌رود. ده سال از آن زمان گذشته و یک دهه زحمتی که ایشان برای بچه‌ها کشیدند و اینها همه نمونه عملی است و شما می‌توانید این زحمات را مشاهده کنید. ۶۷ فرزندی که ایشان دارند ۱۴ پسر و ۵۳ دختر هستند که از اینها ۱۴ دختر و ۴ پسر دانشجو هستند و عناوین رشته‌هایی که در دانشگاه‌های سراسری تحصیل می‌کنند عبارت است از رشته‌های عمران، کامپیوتر، هنر، تربیت بدنی، ریاضی محض که اینها همه نشان از زحماتی است که به ثمر نشسته است و افتخاراتی که این بچه‌ها در مسابقات شطرنج، شنا، اسب دوانی و مسابقات رباتیک و هنرهایی مثل موسیقی، مجسمه‌سازی، خدمات الکترونیک و خدمات موبایل و هر آنچه به ذهن شما می‌آید و علمی که یک بچه زیر هیجده سال که هنوز دیپلم را نگرفته، همه ساختارهای آموزشی برایش فراهم است و اینها واقعا مثال‌زدنی است و همه اینها را ایشان برای فرزندانشان تدارک دیده و مهیا کردند، در حالی که در جامعه پدرها و مادرها آرزوهای خودشان را در فکر فرزندان می‌گنجانند، ولی آقای پوروطن شرایطی را فراهم کردند که استعداد بچه‌ها یافت بشود و هر کس به سمت استعدادی می‌رود که در ضمیر او نهفته است. مجتمع خانه سبز اندیشان وطن در قالب سه فاز طراحی شده است که شامل خانه سبز که در سال ۸۹ به بهره برداری رسید. درمانگاه شبانه روزی و خانه عالمین است. خانه سبز ساختمان شماره یک است که ۱۲۲۰ متر مربع که ۱۰۸۵ متر مربع ساختمان در قالب سه طبقه در آبان ۸۹ آغاز بکار کرده و بصورت یک خانه مسکونی بسیار گرم و نورانی در حال فعالیت است و امیدواریم چراغ آن همواره روشن باشد.

آقای پوروطن قیم قانونی فرزندان هستند و این تفاوتی است که با سایر موارد مشابه دارند و ایشان بعنوان پدر رسمی و قیم قانونی این فرزندان از آنها نگهداری می‌کنند و از ویژگی‌های این مکان زندگی در کنار پدر و مادر است. همچنان که همسر جناب آقای پوروطن نیز در کنار همسرشان برای این فرزندان همانند مادری مهربان برای این فرزندان زحمت می‌کشند و این از دلایلی است که این خانه اینگونه موفق به پیش می‌رود و ارتباطات اجتماعی آزادی

که بچه‌ها دارند صیانت از بچه‌ها بدون دریافت کمک‌های دولتی بوده بیمه عمر سی ساله که به ارزش ۱۵ میلیارد ریال برای بچه‌ها فراهم شده و بورسیه رشته‌هایی که در ایران نباشد را تامین کردند، حتی سفرهای بیرون مرزی که این بچه‌ها دارند برایشان فراهم شده است و جالب است که برای یک خانواده این فرصت شاید فراهم نباشد که بچه‌ها را به اینگونه مسافرت‌ها ببرند تا تجربه واقعی بیاموزند. به هر حال مادر علم تجربه است. بچه‌های خانه سبز به مسافرت می‌روند و این تجربه زندگی را با جسم و روحشان لمس می‌کنند.

ساختمان شامل بخش‌هایی از قبیل سالن گردهمایی، سالن غذاخوری، محوطه ورزشی، آزمایشگاه و کارگاه، اتاق نجوم، اتاق‌های خواب و استراحت، سالن و لابی و اتاق مهمان برای زمان‌هایی که خانواده بچه‌ها که به دیدار فرزندان می‌آیند فراهم شده است و این امکاناتی است که در این ساختمان مهیا شده و امکانات را برای تربیت صحیح این بچه‌ها فراهم کرده است. ساختمان شماره دو ساختمان سبز سلامت وطن که در واقع درمانگاه شبانه روزی است که جناب آقای پوروطن آن را در عرصه ۲۸۵ متر مربعی با ساختمان ۲۴۵ متر مربع در یک

ساختمان ویلایی در آبان ماه سال ۹۷ بعنوان یک مرکز درمانی تاسیس کردند. ویروس کرونا در جهان اینهمه قربانی گرفت، ولی این اتفاقات و بیماری‌هایی که در تاریخ رخ داده صرفاً بلا نبوده بلکه باعث شده داروهای زیادی کشف شوند و استعدادها شکوفا شوند. کرونا نشان داد پزشکان و کادر درمان و فرهیختگان دنیا با توجه به تلاش زیاد و موفقیت‌ها اندک، ولی ناتوان در درمان هستند. تمام ثروت‌های دنیا نیز نتوانست کاری انجام دهد، ولی این علم بود که نتوانست در این زمینه کمک بکند و در این راستا حرکت بکند. آقای پوروطن درمانگاه شبانه روزی را در کنار آنچه برای تربیت روح این فرزندان راه انداختند. ما ایرانی‌ها در تمدنمان جان و تن داریم. جسم و روح به تنهایی کفاف زندگی انسان‌ها برای شکوفا شدن نمی‌دهد. جناب پوروطن در این مکان روح‌هایی را تربیت می‌کنند و تحویل اجتماع می‌دهند که نیاز به حفاظت دارد و این آن نکته‌ای است که ایشان با ذکاوت آن را مدیریت کرده‌اند درمانگاه رایگان شبانه روزی را در کنار این مجموعه برای فرزندان ساختند تا به گونه‌ای متفاوت یک کادر پزشکی خوب در آنجا شروع به فعالیت بکنند تا از باب جسمانی هم بچه‌ها را تامین کرده باشند. درمان فرزندان سرطانی کمتر از ۱۵ سال، نخستین درمانگاه رایگان پیش بیمارستانی در ایران، کمک به تشخیص بیماری جهت بستری، گردآوری اطلاعات پیش از انتقال بیمار با آمبولانس، پذیرش بیمار به مدت پنج روز به عنوان مهمان در قالب خدمات دندانپزشکی، پزشک عمومی و متخصصین که جزء پزشکان برجسته کشور هستند و حاضر شدند ماهی چند بار به رایگان کمک کنند. به این فکر زیبایی که کار شده بستری خانمها و آقایان و مشاوره قبل از بارداری برای یک منطقه روستایی که شاید نیاز به این اطلاعات دارد، داروخانه، اتاق استراحت کادر درمان و نمازخانه امکاناتی است که این درمان ارائه می‌دهد. ساختمان شماره سه از تن و جان گفتیم، هیچ تمدنی به جلو حرکت نمی‌کند مگر اینکه نیم‌نگاهی به پشت سر داشته باشد. هیچ فکر موفقی به پیش نمی‌رود مگر اینکه تجربه گذشته را داشته باشد. ایشان در ساختمان شماره سه بزرگان و عالمین خانواده را که پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها در این مکان گرد هم آوردند و نام ساختمان را آبیگی گل نهادند تا این پیشکسوتان خانواده در آنجا جمع باشند. ۲۸۰ متر مربع زمین و ۲۶۰ متر مربع ساختمان در یک طبقه به صورت ویلا بنا نهاده شده که در اردیبهشت ماه به اتمام رسید و در تمام این ابنا جناب آقای پوروطن نام کارفرما را خداوند باری تعالی و سرایدار را نام خودشان ذکر کرده‌اند و این از فروتنی ایشان است. در این مکان فرزندان جناب آقای پوروطن نعمت مادر بزرگ و خانواده داشتن را دارند و از سوی دیگر آنها هم امید به زندگی را دارند کنار فرزندانشان هستند. می‌توانند نوه داشته باشند و می‌توانند آن جای خالی نوه‌های که در کنارشان نیستند را حس نکنند. هر فرزندی یک پدر بزرگ و مادر بزرگ دارد و بالعکس و زندگی جریان دارد و این چیزی است که در فاز سوم به زیبایی دیده شد. این ایجاد امنیت که در ایجاد شده و تجربیاتی که این افراد دارند و به زندگی این بچه‌ها تزریق علم و تجربه می‌کنند و این امید به زندگی افزایش پیدا می‌کند و سنت‌ها و داستان‌ها و شعرهای فولکلور و چه بسیار دانسته‌هایی که می‌تواند در اختیار این بچه‌ها قرار بگیرد تا بهترین بهترین‌ها باشند. حتی وعده‌های مشترک غذایی مادر بزرگ‌ها با کادر درمان و پزشکی باعث کم شدن بیماری می‌شود و به این ترتیب با بهترین نحو این مدیریت به پیش می‌رود و جناب آقای پوروطن خدا قوت عرض می‌کنیم.

سخنران بعدی **آقای دکتر شاهرزایی مدیرکل محترم دفتر تکریم و الگو سازی بنیاد ملی نخبگان** بودند. ایشان طی سخنانی با اظهار خرسندی از حضور در مراسم تکریم و الگوسازی آقای پوروطن، طی سخنانی کار الگوسازی از نخبگان را مهم تر از تکریم دانستند و افزودند: الگوسازی از نخبگان و بزرگان وظیفه همه مسئولین است. ایشان همچنین با تقدیر از آقای دکتر اصفهانی در برگزاری این مراسم، اظهار داشتند: آقای دکتر اصفهانی با برگزاری مراسم تکریم و الگوسازی از آقای پوروطن با توسعه دایره الگوسازی به حوزه‌های اجتماعی باعث شده ما با بزرگانی مثل آقای پوروطن آشنا شویم.

ایشان افزودند نخبه را آقای دکتر اصفهانی توسعه دادند. نخبگان از حوزه ریاضی، فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی و پزشکی و ادبیات هستند، اما آیا یک نخبه فقط یک نخبه علمی است؟ قطعاً اینگونه نیست. تعریفی که ما از نخبه داریم فردی اثرگذار است، فردی است که استعدادی داشته و این استعداد شکوفا شده است و عملیاتی شده و نتیجه داده است و اگر اینگونه نخبه را تعریف بکنیم حتماً امثال آقای پوروطن‌ها جزء نخبگان و بلکه بزرگان از نخبگان خواهند بود و ما از این بابت خوشحالیم که در واقع تعریف نخبگی گسترش پیدا کرده و ما امروزه با اینگونه انسان‌های شریف هم آشنا می‌شویم و البته از همه دستگاه‌ها مانند ارشاد و دانشگاه‌ها باید گله کرد که چطور نمی‌توانیم از انسان‌های بزرگی مانند ایشان الگوبرداری کنیم. چرا اخبار بد استان در همه جای کشور بسیار سریع پخش می‌شود، اما از اخبار خوبی مانند این کسی باخبر نیست و ما باید نسبت به این موضوع تأمل کنیم که چرا ما به این مطلب کم توجه هستیم. مثال خوبی نیست، اما مگس پروری بهتر است یا زنبور پروری؟ حضور وزیر و یا خبر ناگوار به سرعت پخش می‌شود، ولی انسان شریفی مانند ایشان را من هم از وجودشان بی‌خبر بودم و اینها از ضعف ما است و چرا نباید فیلم و داستان و کتاب این افراد نوشته شود. باید الگوسازی کنیم و اخبار خوب را در جامعه گسترش دهیم و کتاب و فیلم از اینگونه افراد بسازیم. در الگو سازی نکته خوبی را جناب آقای دکتر مهدوی بیان کردند از دور کوه دماوند زیبا و عظیم است، ولی وقتی نزدیک می‌شویم، کوهساران و نغمه پرندگان و درختان زیباترند از دور نگاه کردن به چیزی تکریم است، ولی وقتی نزدیک می‌شویم این جزئیات هستند که الگوسازی را تشکیل می‌دهند. الگوسازی را جزئیات زندگی انسان تشکیل می‌دهد. من به چند نکته در زندگی جناب آقای پوروطن پی بردم؛ اول اینکه با خداوند عهد بستند و پای این عهد ایستادند، این یعنی الگوسازی. یعنی جوان و استعداد برتر اگر بر عهد خود بایستی به تو کوثر عطا خواهند کرد و کوثر یعنی این فرزندان شایسته آقای پوروطن. بگذار تا صبح دولتت بدمد کین هنوز از نتایج سحر است دوم اینکه نشستند تا دیگران شروع کنند. خودشان به جستجو پرداختند. پول را نزد خود نگاه نداشتند و هزینه کردند و تا آخر کار ایستادند و این نکته‌ها از جنبه‌های الگوسازی است.

از شیخ شبستری پرسیدند مرد تمام کیست؟ گفتند کسی مرد تمام است کز تمامی کند با خواجگی کار غلامی این خوب است که انسان خودش به دنبال کارها برود و اینها از جنبه‌های الگوسازی است و با ابزار هنر مثل فیلم و داستان و... به نمایش دربیاید و اینگونه الگوسازی تا ابد باقی خواهد ماند و جوانان می‌توانند به آن افتخار کنند و اگر ما این کار را انجام دهیم موفق بوده‌ایم و اگر تکریم نکردیم از ضعف دستگاه‌ها و شخصی و معلمی است که به الگوسازی اینگونه جنبه‌ها نپرداختیم. ما در بنیاد تصمیم خوبی گرفتیم، مبنی بر اینکه زندگی بزرگان علم و ادب و فرهنگ و حوزه‌های اجتماعی را به صورت داستان و مستند به نگارش درآوریم و امیدواریم که نتیجه خوبی داشته باشد و برای نسل‌های آینده به یادگار باقی بماند.



سخنران پایانی مراسم **آقای اسماعیل پور وطن** بودند که طی سخنانی اظهار داشتند: با عهده‌ی که با خداوند متعال بسته‌ام کارهای خیرخواهانه را شروع نمودم و زندگی خود را امور خیر قرار دادم و در هر جای کشور کودک و نوجوانی نیاز به کمک و سرپناه داشته باشد اینجانب آمادگی دارم تا او را تحت پوشش و حمایت خود قرار دهم. سعید یا گرچه سخندان و مصالح‌گویی به عمل کار برآید به سخنرانی نیست



و دورد بر عاشقان علم و عمل. مواردی که بیان شد بخش اول که خانه سبز بود که در ده سال پیش به علت تنش‌های که در مورد رنگ بود به من گفتند که باید این اسم را تغییر دهم ولی من به یاد پیامبر اکرم که سید بودند و شرایط آب و هوایی گیلان که سرسبز است موافقت نکردم. من افکار فرزندانم را پیش بینی می‌کنم و خانه سبزاندیشان را گذاشتم، چون اندیشه آنها سبز است. بچه‌های زیادی آمدند و رفتند و عده‌ای هم در این خانه زندگی می‌کنند و باز هم می‌آیند و این خانه همچنان به لطف الهی پایدار است. درمانگاه این مجموعه را ساختم و آن را بصورت پیش بیمارستانی ساختم چون برای اولین بار در ایران نیاز بود و قرار بود بنده پزشکان را به تامین اجتماعی معرفی بکنم و حقوقشان را پرداخت کنم و دو شرط با پزشکان داشتم. اولین شرط من این بود که باید به بیمارها بسیار توجه کنند و احترام بگذارند و شرط دوم این بود که باید با هر بیمار بیست دقیقه گفت و گو کنند. بیمار اول نوار قلب می‌گیرد بعد پزشک او را معاینه می‌کند. دندان پزشکی و داروخانه رایگان در این مکان وجود دارد، چون در روستایی که من زندگی می‌کنم مردم توان مالی ندارند و بعضی‌ها آنقدر از نظر مالی ضعیف هستند که نمی‌توان از آنها درخواست مالی داشت. بخش سوم که به اشتباه آن را سالمندان می‌نامند و من مخالف این قضیه هستم و این اشتباه است و من اسم آن را عالمین نامیدم. چون این مانند علم و یک منابع است وقتی یک

دانشجو به علم نیاز دارد، سراغ منابع علمی و کتابخانه می‌رود. این مادر بزرگ‌ها نیز این چنین هستند. آنها تا دیروز خوب و عزیز بودند، ولی امروز کسی اینها را دوست ندارد. به همین دلیل اسم این خانه را گذاشتم خانه عالمین ابجی گل. من در این خانه برای اولین بار در ایران بانک زمان گذاشتم. هر کدام از عزیزان که بخواهند می‌توانند زمانشان را در این بانک بگذارند. هر زمانی که وقت آزاد داشتید پیش آنها بروند و با آنها وقت بگذرانند تا آنها احساس تنهایی نکنند، ولی روزی اگر خودشان به دلیل سفر در این جا نبودند و مثلاً مادر و یا پدرشان نیاز به کمک داشتند می‌توانند به ما زنگ بزنند و از ما بخواهند که چقدر زمان در بانک زمان دارم و وقتی زمانش مشخص شد و از ما درخواست کردند، زمانش را به او برگردانیم. ما با نیروهای جایگزین به مادر و پدرش کمک خواهیم کرد و خودش می‌تواند با خیال راحت در هر نقطه ای از این کره زمین است به زندگی ادامه می‌دهد. این بانک زمان هم می‌تواند از وجود مبارک این مادر بزرگ‌ها باشد. فاصله خانه ابجی گل تا خانه شبانه روزی حدود پانزده قدم است و به این دلیل من این فاصله نزدیک را انتخاب کردم که اگر پسر من تا دیروز تنها بود، امروز دیگر تنها نیست و یک مادر بزرگ دارد و برعکس. من دوباره می‌خواهم مادر بزرگ‌ها در تربیت فرزندان به من کمک کنند. مادر بزرگ یک علم است و اگر من هر روز آن را ورق بزنم و بخوانم آنچه دستگیر من بشود می‌تواند یک هدیه برای بچه‌های من باشد و بچه‌ها اگر تا آن زمان چهره هیچ مادر بزرگی را ندیده و محروم بوده امروز از نعمت وجود مادر بزرگ برخوردار است و این همان مادر بزرگی است که فرزندانش انسان‌های مفید جامعه هستند و این انسان اکنون فرسوده نیست. بیاید یکبار هم که شده با این مادر بزرگ‌ها ارتباط داشته باشیم. چنانچه موافق هستید خانه‌ای بسازیم به نام خانه سرمایه ماندگار ایران. نفت و طلا سرمایه نیست این فرزندان ما هستند که سرمایه‌های پایان ناپذیر ما هستند. ما تصمیم گرفتیم که با بنیاد نخبگان ایران این همکاری را داشته باشیم و سرمایه اولیه را خودم می‌گذارم. مدرسه و مسجدسازی کار بزرگی است، ولی اول باید شخصیت بچه ساخته شود و تربیت داشته باشد بعد می‌تواند به مدرسه برود تا باسواد بشود و بعد به مسجد برود تا برایم اذان بگوید و قرآن بخواند. اول باید تربیت بشود. ولی نخبگان سرمایه‌های ماندگارند. بیاید ارزش‌های ماندگار جاوید یک سرزمین را نگهداری کنیم. چون همین‌ها هستند که می‌توانند سرزمین ما را حفظ کنند. کار ما یک جاده طولانی است. باید حرکت کنیم و من تا جایی که خداوند به من فرصت داده حرکت خواهم کرد.

در این مراسم همچنین موسیقی زنده توسط گروه موسیقی هنرستان طنین رشت اجرا گردید. بخش کلیپ زندگی آقای اسماعیل پوروطن از دیگر برنامه‌های این مراسم بود. همچنین پیام معاون سرآمدان و نخبگان بنیاد ملی نخبگان به آقای پوروطن توسط آقای دکتر اصفهانی برای شرکت کنندگان قرائت گردید. در پایان تابلو فرش تمثال آقای پوروطن از سوی بنیاد نخبگان استان گیلان به رسم یاد بود به ایشان اهداء گردید. همچنین از سوی مدیرکل اسناد و کتابخانه‌های گیلان و نیز از سوی آموزش و پرورش شهرستان بندر انزلی نیز هدایایی به آقای پوروطن اهدا شد. پایان بخش برنامه رونمایی از تمبر یادبود آقای پوروطن بود که توسط ایشان رونمایی گردید.

